

## جبران خسارت به صورت مستمری و چالش‌های حقوقی آن

رضا محسنی والا\*، علی اصغر آقایی\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۰)

### چکیده

مسئولیت مدنی یکی از بخش‌های مهم حقوق مدنی است که در عصر جدید اهمیت روز افزونی یافته و توجه ویژه دانشمندان حقوق و دادرسان و قانونگذاران کشورهای پیشرفته را به خود جلب کرده است و حتی گرایش به آن دارد که یک رشته مستقل حقوقی به شمار آید. مفهوم مسئولیت مدنی نزد دانشیان حقوق روشن و بدیهی است موضوعی مهم و پر ابتلا که در نتیجه برخوردها و تراحم حقوق میان اشخاص جامعه ایجاد می‌شود و همواره مورد توجه قانون‌گذار و کانون بحث و گفت و گوی حقوق دانان بوده است. الزامات خارج از قرارداد یا مسئولیت مدنی به معنای عام تکالیفی است که در نتیجه امر مشروع یا نامشروعی بدون اینکه قرارداد صحیحی در میان باشد، پدید می‌آید. قانون مدنی این الزامات را با عنوان «در الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می‌شود» در مواد ۳۰۱ تا ۳۳۷ مورد توجه قراردادده است. شیوه‌های مختلف جبران خسارت در مسئولیت مدنی در واقع طرق اجرای تعهد مسئول (فاعل زیان)، و تابع اهداف مسئولیت مدنی اند. از آنجا که اهداف مذکور در کلیه نظام‌های حقوقی یکسان نیستند شیوه‌های تامین آن‌ها و اجرای تعهد نیز یکسان نیست. با وجود این عمده‌ترین اهداف مسئولیت مدنی در اکثر قریب به اتفاق نظام‌های حقوقی عبارتند از: جلب رضایت زیان‌دیده، جبران خسارت، و اعاده وضع پیشین زیان‌دیده.

### کلیدواژگان

جبران خسارت، رفع زیان، ضرر، مستمری، مسئولیت مدنی.

\* کارشناسی ارشد، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

\*\* نویسنده مسئول: مربی، واحد یادگار امام، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

رایانامه: dr.aghahi@yahoo.com

**مقدمه**

حقوق مسئولیت مدنی در حقوق کامن لا معادل Law of Torts می‌باشد Tort به معنی شبه جرم است و شبه جرم یک خطای مدنی است که غیر از نقض قرارداد بوده و دادگاه برای آن جبران خسارت فراهم می‌کند. در تعریفی دیگر، شبه جرم یک خطای قانونی است که قانونگذار برای آن جبران خسارت خاص اعطا می‌کند. این تعریف با اشکال مواجه است. زیرا یک شکل مهم از جبران خسارت برای شبه جرم دستور منع می‌باشد که در دادگاه انصاف اعطا شده است پیش از اینکه هر گونه خسارتی اتفاق بیفتد. همچنین گفته شده، شبه جرم نقض تکلیف است که بر عهده طرفین قرار گرفته است، بدون توجه به اینکه آنها به پذیرفتن آن رضایت داده باشند.

از لحاظ اجتماعی حقوق شبه جرم (مسئولیت مدنی) باید بر رفتاری مبتنی باشد که از لحاظ اجتماعی غیر معقول است. عامل زیان معمولاً مسئول تلقی می‌شود زیرا که او عملی را با نیت غیر عاقلانه مرتکب شده است یا به این دلیل که او استاندارد مراتب را زیر پا گذاشته است (Prosser, pp 1-6).

مسئولیت مدنی را به دو شعبه مهم تقسیم کرده‌اند، قراردادی و غیر قراردادی، مسئولیت قراردادی و قهری دو چهره گوناگون از مسئولیت مدنی است که به دلیل پاره‌ای اختلافات عملی، در دو بخش جداگانه مورد مطالعه قرار می‌گیرد از این مسئله اصلی مباحث فرعی دیگر نیز به وجود آمده است: از جمله این که با چه معیاری باید مسئولیت قراردادی را از ضمان قهری بازشناخت؟ (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ص ۷۴)

**مسئولیت قراردادی**

تعهدی که نقض شده و ناشی از قرارداد است (تعهد اصلی) نامیده می‌شود و تعهدی که به سبب نقض قرارداد بر عهده مدیون قرار می‌گیرد، تعهد ثانوی یا فرعی نام گرفته است تا از تعهد اصلی متمایز شود. (همان، ص ۶۰) به عبارتی مسولیت قراردادی عبارت است از مسئولیت کسی که به موجب عقدی از عقود معین یا غیر معین تعهدی را پذیرفته و به علت عدم انجام تعهد یا تاخیر در انجام تعهد خسارتی به متعهد له وارد می‌نماید که در این صورت متعهد مکلف است خسارت وارده را جبران کند. (امامی، بی تا: ص ۳)

### مسئولیت غیر قراردادی

در فرضی که دو شخص هیچ پیمانی با هم ندارند و یکی از آن دو، به عهد یا به خطا، به دیگری زیان می‌رساند، مسئولیت را غیر قراردادی یا خارج از قرارداد نامند. مثل اینکه قانون فرمان می‌دهد که در رفتار و گفتار خود محتاط باشید، بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی نکنید، تهمت نزنید و آدم نکشید. اگر کسی به این تکالیف که قانون برای همگان مقرر داشته است، عمل نکند و در نتیجه این تخلف خسارتی به دیگری زند، باید آن را جبران کند. این مسئولیت پیمان بین او و زیان‌دیده نیست بلکه تخلف از تکالیف قانونی است که برای همه وجود دارد. (اسلامی فارسانی، ۱۳۹۴: ص ۵۴)

### تمایز بین مسئولیت قراردادی و مسئولیت غیر قراردادی

در این باره که مسئولیت قراردادی نتیجه تخلف از اجرای تعهد ناشی از عقد است و باید رابطه قراردادی میان خواهان و خوانده وجود داشته باشد هیچ تردیدی نیست، مسئولیتی که پیش از انعقاد قرارداد به وجود آید، بر فرض که به مناسبت پیمان آینده باشد وصف قراردادی ندارد. با وجود این اگر به منظور تهیه مقدمات پیمان اصلی پیش قراردادی بین دونفر بسته شود (مانند قولنامه)، اجرا نکردن تعهدات ناشی از این قرارداد نیز سبب مسئولیت قراردادی می‌شود. و لذا هر جا از قرارداد بین طرفین خبری نباشد مسئولیت طرفین مبنی بر مسئولیت غیر قراردادی قابل بررسی و جبران خواهد بود. (کاتوزیان، ۱۳۷۴)

عده ای این دو نوع مسئولیت را یکی می‌پندارند و از وحدت مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد صحبت می‌کنند به دلیل اینکه معتقدند هدف هر دو جبران خسارت است و تفاوتی نمی‌کند این خسارت نتیجه تخلف از مفاد یک قرارداد باشد یا اینکه تجاوز از رفتار یک انسان متعارف معقول به وجود آمده باشد. اما در مقابل دیدگاه مذکور، می‌توان از استقلال مسئولیت قراردادی در مقابل مسئولیت خارج از قرارداد، دفاع کرد. زیرا که مسئولیت مدنی خارج از قرارداد و حقوق قراردادها با وجود اشتراک، تفاوت‌های زیادی با هم دارند و هدف و مبانی در این دو رشته متفاوتند. مثلاً در حقوق قراردادها حمایت و احترام به اصل آزادی اراده است اما در مسئولیت

مدنی خارج از قرارداد، هدف جبران خسارت است. و این تفاوت موجب تفاوت در مسئولیت قراردادی با مسئولیت غیر قراردادی می‌شود. (اسلامی فارسانی، ۱۳۹۴: ص ۵۴)

## مفهوم‌شناسی ضرر و اقسام آن

### الف) ضرر چیست؟

هر گونه صدمه مادی و معنوی و بدنی وارد به شخص را از جمله عدم النفع در بر می‌گیرد در واقع هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه‌ای وارد آید می‌گویند ضرر به بار آمده است.

#### ۱. ضرر از نگاه عرف

ضرر، زیان یا خسارت در عرف معنای گسترده‌ای در مقابل نفع دارد و به صدمه به هر چیز با ارزشی اعم از عین، منفعت، نفع مالی، تمامیت جسمانی، سلامت، شخصیت، آبرو یا غیر از آن اطلاق می‌شود. (دهخدا)

#### ۲. ضرر از نگاه فقه

علیرغم شهرت و تصور مسلم بودن اصل قابلیت جبران کلیه خسارات، این امر مورد مخالفت اکثر فقیهان و همچنین مراسم رسمی ایجاد کننده قواعد حقوق، قرار گرفته است، به خصوص فقیهان شورای نگهبان در موقعیت‌های مختلف با باین نظر مخالفت کرده‌اند و در موارد بسیاری قابلیت جبران آنچه از دید عموم و عرف، خسارت و زیان به شمار می‌آید را رد کرده‌اند و در نهایت، قوانینی را که نفی کننده قابلیت جبران مقولاتی از خسارت است به تصویب رسیده است. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰: ص ۹۷)

#### ۳. ضرر از نگاه حقوق

نزد حقوقدانانی که معتقدند در نظام حقوقی ایران تفاوتی بین قضاوت عرفی و حقوقی در مورد خسارت وجود ندارد و هر آنچه عرف آن را خسارت و زیان تلقی می‌کند، در صورت جمع بودن دیگر شرایط مسئولیت مدنی، تکلیف به جبران خسارت را در پی دارد، یا به تعبیر دیگر، اصل، لزوم

جبران کلیه خسارت است. چنین شهرت یافته که پذیرش چنین اصلی لازمه زندگی متمدن کنونی است و این اصل مورد پذیرش معمول کشورهای توسعه یافته نیز قرار گرفته است؛ علاوه بر این، معمولاً این حقوقدانان معتقدند قانون مسئولیت مدنی، به طور واضح وجود چنین اصلی را در حقوق ایران اعلام کرده و به رسمیت شناخته است. (بابایی، بی تا: ص ۴۳)

#### ۴. تحلیل مفهوم «ضرر» از نگاه حقوقی

تمامی مبانی و استدلال‌ات بالا ادعای ثابت نشده به نظر می‌رسد: در مورد حقوق تطبیقی و رویکرد پذیرفته شده باید گفت همانطور که در بالا آمده، برخلاف تصور رایج نزد این حقوقدانان، در معمول کشورهای و نظام‌های حقوقی پیشرفته جهان چنین اصل و قاعده‌ای پذیرفته نشده است. (بابایی، بی تا: صص ۶۴-۷۸)

استناد به قواعد فقهی و منابع اسلامی برای اثبات ادعای وجود تکلیف به جبران هر گونه خسارت وارد به افراد قابل پذیرش نیست. در واقع عمده استناد این حقوقدانان به قواعد فقهی لاضرر است که از قواعد کلی مسلم پذیرفته شده در فقه اسلامی است. به تفسیر این حقوقدانان قاعده لاضرر در این مفهوم ظهور دارد که شارع مقدس، ایراد هرگونه خسارتی را به غیر منع کرده یا منتفی دانسته است و این ممکن نخواهد بود جز به پذیرش لزوم جبران کلیه خسارات وارده به غیر یا به تعبیر دیگر، قبول مسئولیت مدنی در مورد جبران خسارات وارده به افراد، ولی این استدلال کامل و صحیح نیست؛ زیرا از طرفی مطابق نظر اکثر فقیهان، اساساً قاعده لاضرر ارتباطی به مباحث مسئولیت مدنی و ایجاد تکلیف به جبران خسارت ندارد و در مقابل بیان قاعده کلی دیگری در فقه اسلامی در فقه اسلامی است، و از طرف دیگر، حتی اگر نظر اقلیت فقهی لحاظ شود که قاعده لاضرر را از قواعد مسئولیت مدنی خارج نمی‌دانند و از این قاعده منع یا منتفی بودن ایراد خسارات به دیگری را برداشت کرده‌اند، باز هم این قاعده قابلیت جبران کلیه خسارات را توجیه نخواهد کرد. (ر. ک. انصاری، ص ۳۷۳؛ خوانساری، ج ۲، ص ۲۰۱؛ بجنوردی، ج ۱، ص ۲۱۸)

## ب) اقسام ضرر و زیان

بر اساس یک تقسیم بندی که برای ضرر یا خسارت انجام گرفته است آن را به «قسم مادی» و «معنوی» و «بدنی» تقسیم نموده‌اند:

### ۱. ضرر مادی

خسارت مالی طیف وسیعی از خسارت را در بر می‌گیرد. تمامی این خسارات در ویژگی کمی بودن و قابلیت تقویم به پول، مشترکند با الهام‌گیری از قوانین و مباحث نظری می‌توان خسارات مالی را به سه معقوله کلی تقسیم کرد: (۱) تلف نقص و عیب مال (۲) هزینه‌های مالی (۳) عدم تحصیل مال و منفعت. در مورد قابلیت جبران هر یک از این موارد، احکام و مباحث خاصی در حقوق ایران شکل گرفته است و مناسب است که هر یک به تفکیک مورد بررسی قرار گیرد.

### تلف، نقض و عیب مال (اعم از عین یا منفعت)

در وجود مسئولیت مدنی نسبت به خسارت تلف و نقص و عیب مال (اعم از عین یا منفعت) تردیدی در حقوق مدنی و فقه اسلامی وجود ندارد. در واقع قانون مدنی به جبران این معقوله خسارت مالی تصریح کرده است. این حکم در فقه نیز تحت عنوان قاعده اتلاف مورد بحث قرار گرفته و از آنجا به قانون مدنی راه یافته است.

در مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی ذیل ابواب اتلاف و تسبیب: تکلیف جبران این خسارت اینگونه بیان شده است:

– ماده ۳۲۸ – هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد، اعم از اینکه روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.

– ماده ۳۳۱ – هر کس سبب تلف مالی شود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت آن برآید.

با توجه به صراحت قانونی و سابقه فقهی و حقوقی موضوع، در قالب جبران و ایجاد مسئولیت مدنی در مورد تلف، نقص یا عیب عین یا منفعت در حقوق ایران تردیدی وجود ندارد. (بابایی،

## ۲. ضرر معنوی

دارایی معنوی انسان همچون دارای مادی او می‌تواند مورد تعدی قرار گیرد و لطمه ببیند. صدمات و ضررهای معنوی ممکن است به مراتب از ضررهای مادی سنگین‌تر و طاقت‌فرساتر باشد. صدمه به آبرو، حیثیت و احساسات انسان خساراتی است که با هیچ ضرر مادی دیگر قابل مقایسه نیست، به نحوی که بسیاری برای حفظ آبرو، حیثیت و ناموس به راحتی جان و مال خود را فدا می‌کنند. بسیاری از حرکات بزرگ اجتماعی نیز برای حفظ و حراست از ارزش‌های معنوی شکل می‌گیرد. دفاع از آزادی و استقلال موجب انقلابات سیاسی و اجتماعی شده و افراد برای دفاع و رفع تجاوز به این ارزش‌های والا، جان و دارایی مالی خود را با افتخار فدا می‌کنند، در نتیجه شکی نیست که صدمه به دارایی‌های معنوی ضرر محسوب می‌شود، ضررهایی که به علت تعلق به امور معنوی انسانی از ضررهای مادی به مراتب سنگین‌تر است و با معیارهای مادی قابل اندازه‌گیری نیستند. (ر. ک. صافی، ۱۴۰۴: ص ۱۲۹)

### تحلیل مفهوم ضرر معنوی

از منظر مباحث نظری، همچنان که در تاریخچه دکتترین دیگر کشورها مشاهده می‌شود دو اشکال عمده نسبت به قبول مسئولیت مدنی برای خسارت معنوی مطرح شده است: ۱. میزان خسارت معنوی را نمی‌توان اندازه گرفت، لطمه به حقوق راجع به شخصیت از جمله توهین، آبرو ریزی و سلب آزادی بیان در مورد افراد متفاوت بوده و بروز آن نیز نامشخص است این ناملایمات و تعدیات برای برخی صدمات معنوی سنگینی به بار می‌آورد و برای بعضی امری عادی به شمار می‌رود. بروز خارجی این صدمات نیز بسیار متفاوت است. تظاهر این صدمات نزد برخی بسیار شدید است و برخی علیرغم ضربه شدید روحی، آن را پنهان می‌کنند و با حلم و صبر با آن مواجه می‌شوند. ۲. خسارات معنوی با ابزار مادی و پرداخت پول قابل جبران نیستند امور مادی و معنوی از دو معقوله جداگانه‌اند از این رو هیچ‌گاه نمی‌توان خسارات معنوی را با معادل مالی و پولی سنجید و جبران کرد. اشکال دوم عینا در مورد خسارات بدنی به معنای خاص مطرح شده است اما این اشکال باعث نشده که شرع یا دیگر نظامهای حقوقی در ایجاد مسئولیت مدنی برای ایرات خسارات بدنی تردید کند و معادل مالی برای این خسارات لحاظ نکند. در مورد خسارت معنوی،

عملکرد مسئولیت مدنی و پرداخت، خشنود کننده است و سعی دارد به نحوی باعث تشفی و خشنودی خاطری شود که با ایراد خسارت مخدوش شده است. (پروین، ص ۱۸۹)

### ۳. ضرر بدنی و جبران خسارات بدنی

برای جبران لطمات وارده و نیز تاسیس ضمانت اجرایی برای صیانت از تمامیت جسمانی انسانها، شارع مقدس براساس شدت و نوع خسارت جانی وارده، میزان مشخصی مال به عنوان دیه تعیین نموده است که از طرف جانی به خسارت دیده باید پرداخت شود.

لزوم جبران خسارات جانی در فقه اسلامی و حقوق ایران مورد تردید نبوده است، حتی منع از ایراد این خسارت و حرمت جان به عنوان مبنا در اصل لزوم جبران خسارت معرفی شده است. (شیخ طوسی، ج ۳، ص ۴۹)

#### - تحلیل مفهوم خسارت جانی

صدمات جانی تنها به خسارت غیر مادی جانی منحصر نمی شود و در پی صدمات جانی، معمولاً خسارات مادی و اقتصادی بر مصدوم تحمیل می شود که از نظر ماهیت و قابلیت ارزیابی با خسارات غیر مالی کاملاً متفاوت است.

#### - خسارات معنوی (غیر مالی) ناشی از صدمات جانی

یکی از مشکلاتی که نظام نوین مسئولیت مدنی با آن روبه روست، برآورد خسارت معنوی (غیر مالی) ناشی از صدمات جانی است. این خسارات که شامل رنج مصدومیت و عدم سلامت، درد از دست دادن لذت و خشنودی ناشی از صدمه، ناشی از صدمه بدنی جسمانی، مثل عدم امکان ورزش، فعالیت اجتماعی یا روابط جنسی است، از امور کیفی و غیر کمی و کاهش زیبایی است و قابل اندازه گیری نیست و لذا تخصیص هر مقدار و بهایی برای آن فاقد معیار علمی و واقعی است.

#### - خسارات مالی ناشی از صدمات جانی

عمده خسارات اقتصادی ناشی از خسارات جانی که به مصدوم وارد می شود، هزینه های درمان و خسارات از کارافتادگی دایم یا موقت است. در کنار خسارت اخیر، خسارات اقتصادی از دست



دادن درآمد وارد بر خانواده و افراد واجب‌النفقه مصدوم یا متوفی مطرح می‌شود. هزینه‌های درمان این خسارت ناظر بر ضررهای مادی است که در پی ایراد خسارت جسمانی و برای ترمیم صدمه و یا جلوگیری از تسری آن بر زیان دیده تحمیل می‌شود.

هزینه درمان به شکلی که امروز در ایران و دیگر کشورها مطرح است، پدیده نوین زمان ما به شمار می‌رود. در واقع، در طی قرون گذشته هزینه درمان مبالغ قابل توجهی را به خود اختصاص نمی‌داده و به علت ابتدایی بودن علم پزشکی، اقدامات ممکن برای بهبودی و ترمیم بسیار محدود بوده است و سهم قابل توجهی در مقابل خود خسارت جانی نداشته و لذا مشکلی در مورد مطالبه علاوه بر دیه برنمی‌انگیخته است. (جعفری تبار، ص ۵۵)

مسئله جبران خسارات مازاد بر دیه نزد قضات دادگاههای عمومی تهران و قبلاً برای قضات دادگاههای کیفری دو تهران مطرح شده و اکثر ایشان نظر به قابلیت مطالبه مبالغ مازاد بر دیه داده اند. (گنج دانش، ۱۳۷۸: ص ۶۵)

#### **- خسارت از کار افتادگی دایم و موقت**

منظور از خسارت از کار افتادگی، محرومیت از منافع و درآمد مالی است که زیان‌دیده می‌توانست در صورت عدم تحقق خسارت بدنی تحصیل کند: کرگر یا جراحی که در صورت عدم تحقق حادثه و شکستن دست می‌توانست در طول درمان و ترمیم شکستگی به طور معمول بر سرکار رود و درآمد روزانه و ماهانه‌ای را تحصیل کند.

#### **- تحلیل مفهوم خسارات از کارافتادگی**

حکم قابلیت جبران خسارات از کارافتادگی و تفویض قوای کاری در حقوق ایران در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. از طرفی ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ به صراحت خسارات ناشی از کاهش قوه کار زیان دیده را قابل جبران اعلام و در این راه از منطق حقوق جدید پیروی نموده است و نیز مستفاد از مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون مسئولیت مدنی و با التفات به قاعده کلی لاضرر و همچنین قاعده تسبیب و اتلاف، لزوم جبران این گونه خسارات بلا اشکال است.

علیرغم تمایل حقوقدانان ایرانی (ر. ک. کاتوزیان، ۱۳۷۴: ص ۹۳؛ حسینی‌نژاد، ۱۳۷۷: ص ۷۶؛

امیری قائم‌مقامی، ۱۳۷۸: ص ۱۶۴) به قابلیت جبران خسارات از کارافتادگی، پذیرش این امر در حقوق ایران با مشکلات متعددی مواجه است. علاوه بر مشکلات عمومی مذکور قطعی نبودن خسارات و طبیعت مشترک با عدم النفع - ماهیت دیه از موانع عمده قابلیت جبران این گونه خسارات است.

### ج) شرایط ضرر قابل جبران

شرایط جبران خسارت یا ضرر به این ترتیب است که: ۱. قابل جبران و مسلم باشد نه احتمالی، ۲. مستقیم باشد، ۳. شخصی باشد، ۴. ناشی از لطمه ای باشد که به حق شخص یا نفع مشروع او وارد شده است، ۵. قبلاً جبران نشده باشد، ۶. قابل پیش بینی باشد. (صفایی، رحیمی، ۱۳۹۰: ص ۱۰۱)

### د) رابطه‌ی بین فعل و ضرر

صرف وجود یک فعل و ضرر نمی تواند مسئولیتی را بر عهده صاحب فعل قرار دهد، اما در صورتی که بین فعل و ضرر یک رابطه عرفی و انتسابی وجود داشته باشد مسئولیت محقق می‌شود در تصرف نامشروع و غصب، وجود رابطه سببیت به معنای متعارف ضروری نیست اما نوعی رابطه معنا دار بین رفتار غاصب و متصرف با خسارت وجود دارد، به طور مثال، خسارتی که از غاصب قابل مطالبه است که در زمان تصرف او ایجاد شده است، به عبارت دیگر میزان و نوع خسارات با تصرف وی رابطه دارد رابطه سببیت هم از نظر مفهومی و هم از نظر مصداقی با ابهامات زیادی روبروست. (رهپیک، ۱۳۷۸: ص ۶۸)

### دعای مسئولیت مدنی و شیوه‌های جبران خسارت

مسئولیت مدنی با تحقق ارکان آن به وجود می‌آید و اثر آن که جبران خسارت است قابل مطالبه می‌شود. بنابر این مسئول خسارت باید به جبران آن اقدام کند لیکن در غالب موارد، مسئول، بدون اقامه دعوا، به جبران خسارت اقدام نمی کند و به همین دلیل زیان‌دیده مجبور به طرح دعوی مسئولیت مدنی می‌شود.

### الف) نحوه طرح دعوای مسئولیت مدنی

اگر فعل زیانبار، از لحاظ مقررات جزایی، جرم کیفری باشد این دعوا می‌تواند در دادگاه کیفری مطرح شود و در ضمن رسیدگی به جرم، به عنوان ضرر و زیان ناشی از جرم مورد رسیدگی قرار گیرد. ولی اگر فعل زیانبار عنوان مجرمانه نداشته باشد دعوای مسئولیت مدنی باید در دادگاه حقوقی، رسیدگی شود. دعوای مسئولیت مدنی با تشریفات آیین دادرسی مدنی قابل طرح و رسیدگی است. هدف از طرح این دعوی، جبران خسارت است. طریقه جبران خسارت در همه موارد یکسان نیست و ممکن است برحسب مورد متفاوت باشد. در عین حال دادگاه باید مطابق اصول و ضوابطی میزان خسارت وارده را ارزیابی کند. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰: ص ۳۰۳)

#### ۱. طرفین دعوای مسئولیت مدنی

دعوای مسئولیت مدنی باید از سوی زیان‌دیده اقامه شود، زیرا اقامه دعوا از سوی کسی که ذی‌نفع نیست، پذیرفته نمی‌شود. (ماده ۲ آ. د. م) البته ممکن است زیان‌دیده خود به دلیل عدم اهلیت استیفاء نتواند اقامه دعوا کند، در این صورت نماینده محجور صلاحیت اقامه دعوا را خواهد داشت.

#### ۲. خواسته دعوای مسئولیت مدنی

در ماده ۳ ق. م. ظاهراً اختیار تعیین میزان خسارت را کاملاً به قاضی واگذار کرده است که البته به این ظاهر نباید اکتفا کرد و به هر حال باید این ماده را با توجه به اصول حاکم بر دعوای مدنی تفسیر کرد، و همانطور که گفته شد از این ماده اختیار افزایش خواسته به دست نمی‌آید. اگر این مبلغ تعیین شده توسط خواهان، مورد اعتراض طرف مقابل قرار گیرد و این اختلاف موثر در مراحل بعدی رسیدگی باشد دادگاه قبل از شروع رسیدگی با جلب نظر کارشناس بهای خواسته را تعیین می‌کند. (م ۶۳ ق. آ. د. م)

علاوه بر این در ماده ۳ ق. م. که مقرر می‌دارد «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد...» کیفیت و طریقه جبران خسارت کاملاً بر عهده دادگاه است لذا مدعی ممکن است شیوه ای برای جبران خسارت انتخاب کند اما قاضی شیوه دیگری در رای مقرر کند که این نیز موجب بروز چالش‌هایی در جبران خسارت زیان‌دیده گردد. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰: ص ۳۰۹)

### ب) اعلامی یا تأسیسی بودن حکم دادگاه

به نظر می‌رسد که باید اعلامی بودن رای دادگاه را در ضمیمه مسئولیت مدنی تایید کرد، زیرا صدور حکم دادگاه جزء شرایط و عناصر مسئولیت مدنی نیست و حکم دادگاه ایجاد کننده حق برای زیان‌دیده نیست، بلکه اعلام کننده و تایید کننده آن است.

### نحوه تعیین میزان خسارت

هدف مسئولیت مدنی «برقراری مجدد وحتى الامکان دقیق تعادل و توازنی است که بر اثر ورود زیان به هم خورده و قرار دادن زیان دید به هزینه فاعل زیان، در موقعیتی که اگر فعل زیان بار ارتکاب نمی‌یافت، زیان دیده در آن موقعیت قرار داشت». به دیگر سخن مسئولیت مدنی به دنبال جبران خسارات است. به همین دلیل دادگاهها در ارزیابی و تعیین میزان خسارت به این اصل توجه می‌کنند و قانون‌گذار برای تحقق آن، تضمینهایی را مقرر کرده است؛ لیکن تحقق این اصل همیشه به سادگی امکان پذیر نیست و گاهی با مشکلات و مسائلی همراه است و البته این اصل مانند هر اصل دیگری با استثناهایی نیز مواجه است. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰: ص ۳۱۸)

### الف) اصل جبران کامل خسارت

#### جبران کامل خسارت

در حقوق ایران هر چند در قوانین و مقررات عام به جنبه تنبیهی پرداخت غرامت و اثر بازدارندگی مسئولیت مدنی تصریح نشده، لیکن تحت تأثیر حقوق اسلامی که در آن مسئولیت مدنی به طور کامل از مسئولیت کیفری تفکیک نشده است، برخی مصادیق خسارت تنبیهی به چشم می‌خورد؛ مانند ماده ۳۱۴ ق. م در باب غصب که در راستای سخت‌گیری بر غاصب (الغاصب یؤخذ بأشق الاحوال) مقرر شده است و یا مواد مربوط به دیه در قانون مجازات اسلامی که در عین حال که ناظر به نوعی مجازات است به زیان دیده پرداخت می‌شود تا خسارت وارد به او جبران شود و در موارد خاصی بر مبلغ آن افزوده می‌شود (ماده ۲۹۹ ق. م. ا).

بدین ترتیب در این موارد خاص، یعنی دعاوی اتباع ایرانی علیه دولتهای خارجی در

دادگستری جمهوری اسلامی ایران، امکان صدور حکم به پرداخت غرامت تنبیهی وجود دارد، لیکن این یک قاعده استثنایی است که نمی‌توان آن را به موارد دیگر گسترش داد. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۳۱۸)

#### راه‌های تضمین اصل جبران کامل خسارت

برای تضمین اجرای عملی اصل جبران کامل خسارت و حمایت از زیان دیده، قانون‌گذار راه‌هایی را اندیشیده است؛ یکی از این طرق، چنان که گفته شد، افزودن بر تعداد مسئولان یک ضرر یا همان مسئولیت ناشی از فعل غیر مانند مسئولیت کارفرما نسبت به خسارت ناشی از فعل یا ترک فعل غیر است، مانند مسئولیت کارفرما نسبت به خسارت ناشی از فعل یا ترک فعل کارگران. راه دیگر، اجباری نمودن بیمه مسئولیت است که خود موجب حمایت از زیان دیده می‌شود.

علاوه بر راه‌های مذکور، صندوق تأمین خسارات نیز موجب حمایت از زیان دیده و تضمین اجرای اصل جبران کامل خسارت است. به عبارت دیگر، در موارد خاصی قانون‌گذار صندوقی را پیش‌بینی می‌کند که از وجوه مبالغ موجود در آن، که بخشی از آن توسط بودجه عمومی تأمین می‌شود، خسارات وارد به زیان دیدگان جبران شود.

#### ب) مشکلات اعمال اصل جبران کامل خسارت (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰)

##### دشواری‌های اعمال اصل جبران کامل خسارت

برای اعمال جبران کامل خسارت چنانچه شیوه جبران عینی خسارت و یا جبران غیر نقدی یا دادن مثل انتخاب شود، مشکلی پیش نخواهد آمد و اصولاً بحث ارزیابی خسارت مطرح نمی‌شود؛ اما اگر شیوه جبران نقدی خسارت و پرداخت غرامت، توسط دادگاه، انتخاب شود، که غالباً همین شیوه در عمل بر گزیده می‌شود، دادگاه ممکن است با مشکلاتی مواجه شود.

- اولین مشکل، تعیین قیمت شیء مستعملی است که از بین رفته است. آیا در این مورد دادگاه باید به قیمت معاملاتی شیء رأی دهد یا اینکه باید به قیمت جایگزینی شیء یعنی پولی که می‌توان با آن چیزی را جایگزین مال تلف شده کرد حکم کند؟

- دومین مشکل مربوط است به تغییر میزان ضرر از زمان وقوع آن؛ آیا دادگاه باید تغییرات ضرر را در جهت کاهش یا افزایش، مد نظر قرار دهد؟ به عبارت دیگر چه زمانی برای ارزیابی خسارت، ملاک است؟
- سومین مشکل با امکان ارزیابی ارتباط دارد؛ سوال این است که اگر میزان ضرر در مکانهای مختلف متفاوت باشد، قیمت چه مکانی باید مورد توجه قرار گیرد؟ (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰: ص ۳۲۲)

#### تعیین قیمت شیء مستعمل

اصل جبران کامل خسارت اقتضا می‌کند که اگر مالی که تلف شده شیء نوینی نباشد، بلکه مالی مستعمل و دست دوم باشد به زیان دیده، برای بازگرداندن وضع سابق او، پولی به اندازه قیمت کالا قبل از ورود ضرر داده شود؛ یعنی پولی که با آن بتواند مشابه مال تلف شده را بخرد و جایگزین مال خود سازد. اگر زیان دیده نتواند مالی مشابه مال خود بیابد و تنها اموال نو در بازار موجود باشد، در این صورت باید قیمت مال نو به زیان دیده پرداخت شود و نباید به علت فرسودگی و مستعمل بودن کالای تلف شده از میزان غرامت مبلغی کم کرد؛ زیرا در این صورت خسارت وارد شده به زیان دیده به طور کامل جبران نمی‌شود.

#### زمان ارزیابی خسارت

مسئله زمان ارزیابی خسارت را می‌توان در دو بخش مطرح کرد؛ زیرا ممکن است این سوال مطرح شود که هرگاه از زمان ورود ضرر صدور حکم تغییری در میزان خسارت رخ دهد، آیا لازم است دادگاه در زمان صدور حکم ضرر را ارزیابی کند یا زمان ارزیابی خسارت، زمان تلف یا نقض مال است؟ سوال دیگری که آن هم مربوط به زمان ارزیابی خسارت است، این است که چنانچه پس از صدور حکم قطعی میزان ضرر تغییر کند، آیا توجه به این تغییر را میتوان از دادگاه درخواست کرد؟

چون پاسخ این دو سوال متفاوت است از دو قسمت جدا گانه به آنها می‌پردازیم.

### تغییر خسارت تا زمان صدور حکم قطعی

تغییر میزان خسارت تا زمان صدور حکم قطعی، ممکن است به دلیل تغییر عوامل درونی خسارت مانند بدتر شدن وضع زیان دیده از لحاظ جسمی یا رفع نقص و عیب حاصل از فعل زیان بار، باشد و می‌تواند ناشی از تورم و به عبارت بهتر، کاهش ارزش پول باشد. در باره تغییر میزان خسارت، به دلیل تغییر عناصر ذاتی و عوامل درونی، بحث جدی پیش نمی‌آید. روشن است که دادگاه در زمان رسیدگی و صدور حکم قطعی باید این تغییرها را مد نظر قرار دهد و چنانچه در ابتدا حادثه موجب نابینایی زیان دیده شده، ولی تا زمان صدور حکم زیان دیده بینایی خود را بار یافته باشد، دادگاه لازم است این تغییرات را لحاظ کند. همچنین اگر زیان وارده پس از وقوع حادثه تا زمان صدور حکم افزایش یافته باشد این تشدید خسارت نیز باید مورد توجه قرار گیرد، زیرا هدف، جبران کامل خسارت وارده است. در فقه نیز گفته شده است که چنانچه تغییر قیمت مال تلف شده، به دلیل زیادتی و نقصان خود مال باشد (مانند کم یا زیاد شدن وزن گوسفند دیگری در ید غاصب) باید تغییر در حکم دادگاه مورد توجه قرار گیرد.

### تغییر میزان خسارت به دلیل ارزش پول

درباره تغییر میزان خسارت به دلیل ارزش پول، این بحث مطرح شده است که کاهش ارزش پول، امری است که منتسب به فاعل زیان نیست و به همین دلیل نباید بر او تحمیل شود؛ لیکن نظر به اینکه مسئولیت مدنی به دنبال جبران کامل خسارت است، اگر دادگاه به قیمت مال در زمان ورود خسارت رأی دهد و توجهی به افزایش قیمت مال تا زمان صدور حکم قطعی نکند، در واقع جبران خسارت به طور کلی صورت نمی‌گیرد و کاملاً رفع ضرر نمی‌شود.

### بررسی از نگاه فقهی

در فقه نیز برخی از فقها به استناد آیه اعتداء گفته‌اند که در اموال قیمی هم چون تا زمان ایفای تعهد، مثل بر عهده مسئول حادثه است و در این زمان معلوم می‌شود دادن مثل امکان پذیر نیست، بنابراین قیمت زمان پرداخت بر عهده اوست، همانند آنچه ماده ۳۱۲ق.م در باره اموال مثلی که مثل آن یافت نمی‌شود مقرر داشته است. قابل ذکر است که در فقه، درباره این موضوع که آیا

حاکم باید نوسانات قیمت را به علت تنزل ارزش پول لحاظ کند یا خیر اتفاق نظر وجود ندارد و برخی معتقدند که این نوسانات حتی در غضب نباید بر عهده فاعل زیان قرار گیرد؛ زیرا دلیلی برای چنین ضمانتی وجود ندارد، ولی برخی دیگر از فقها در این باره تردید کرده‌اند و گفته‌اند که اگر در صورت تعذر تسلیم مثل، قیمت پرداخت شود حتماً باید نوسانات قیمت در بازار لحاظ شود و درباره اموال قیمی هم ممکن است همین نظر گفته شود در صورتی که در این اموال نیز به عهده مسئول قرار گیرد.

#### **تغییر خسارت پس از صدور حکم قطعی**

اگر پس از صدور حکم، میزان خسارت به دلیل کاهش ارزش پول، تغییر کند و افزایش یابد، اصولاً به دلیل اعتبار امر مختوم و فیصله یافتن دعوی، دادگاه اختیار تغییر رأی را نخواهد داشت. به همین دلیل گفته شد چنانچه دادگاه پرداخت نقدی خسارت را به شکل مستمری مقرر کند، برای جلوگیری از تاثیر کاهش ارزش پول و تامین جبران خسارت، لازم است دادگاه شاخص متغیری را در حکم تعیین کند. اگر تغییر خسارت پس از صدور حکم قطعی شود به دلیل تغییر عناصر ذاتی و درونی خسارت باشد، در مواردی دادگاه می‌تواند به این تغییر ترتیب اثر دهد.

#### **مکان ارزیابی خسارت**

هرگاه غاصب مال مغضوب را از محل غضب به مکان دیگری ببرد و قیمت مکان غضب با قیمت مکان تلف متفاوت باشد، این سوال پیش می‌آید که قیمت کدام محل باید به مالک داده شود؟ چنان که گفته شد، چون هدف از مسئولیت مدنی، جبران کامل خسارت و بازگرداندن وضع سابق است، اگر قیمت مکان غضب بیشتر از مکان تلف باشد، مالک می‌تواند تفاوت قیمت مکان غضب را از باب مسئولیت مدنی مطالبه کند. در موارد دیگر غیر از غضب نیز به نظر می‌رسد محل خسارت باید ملاک ارزیابی قرار گیرد، زیرا هدف آن است که وضع زیان دیده در این مکان به حالت پیشین بازگردد، حتی اگر ارزش خسارت، در اقامتگاه خوانده کمتر یا بیشتر باشد، زیرا امکان اقامه دعوی در دادگاه اقامتگاه خوانده موجب نمی‌شود تا این مکان، ملاک ارزیابی خسارت قرار گیرد.



### ج) شیوه‌های مختلف جبران خسارت

شیوه‌های مختلف جبران خسارت در مسئولیت مدنی در واقع طرق اجرای تعهد مسئول (فاعل زیان)، و تابع اهداف مسئولیت مدنی اند. از آنجا که اهداف مذکور در کلیه نظام‌های حقوقی یکسان نیستند شیوه‌های تامین آن‌ها و اجرای تعهد نیز یکسان نیست. با وجود این عمده‌ترین اهداف مسئولیت مدنی در اکثر قریب به اتفاق نظام‌های حقوقی عبارتند از: جلب رضایت زیان‌دیده، جبران خسارت، و اعاده وضع پیشین زیان‌دیده. دادگاه می‌تواند شیوه و طریقه جبران خسارت را با توجه به اوضاع و احوال قضیه معین کند (ماده ۳ق.م.م).

راه‌های جبران خسارت به طور کلی عبارت‌اند از: جبران عینی (اعاده وضع سابق) و دادن معادل. جبران خسارت از طریق دادن معادل نیز به‌دو نوع، جبران غیر نقدی خسارت و جبران نقدی تقسیم می‌شود.

### جبران عینی (اعاده وضع سابق)

جبران عینی گه‌گاه با عنوان اعاده وضع پیشین زیان‌دیده یا ترمیم جنسی از آن یاد می‌شود، بهترین شیوه جبران خسارت است که وضع زیان‌دیده کاملاً به حالت پیش از ورود ضرر بازگردانده شود و چون هدف مسئولیت مدنی، جبران کامل خسارت است، این شیوه بر دیگر راه‌های جبران خسارت ترجیح دارد؛ به عبارت دیگر، در این شیوه ضرر کاملاً محو می‌شود، مثلاً اگر کسی دیواری را در ملک خود بسازد که مانع نور همسایه شود یا مالی را معیوب یا بازسازی خانه‌ای را خراب کند، دادگاه می‌تواند به تخریب دیوار یا تعمیر مال معیوب یا بازسازی خانه حکم دهد و وضع را به حالت سابق بازگرداند.

### محاسن و معایب جبران عینی

جبران عینی روشی برای جبران خسارت، واجد محاسن و معایبی است که شایسته است به نحو اختصار مورد اشاره قرار گیرد.

### محاسن و مزایا

عمده‌ترین مزایا و محاسنی که برای این طریق از جبران خسارت می‌توان شمرد به قرار زیر است:

۱. این شیوه جبران، زیان‌دیده را در وضعیت قبل از وقوع فعل زیانبار یا نزدیکترین وضعیت به آن قرار می‌دهد. از این رو این طریق برای خواهان مطلوبیت بیشتری دارد، در حالی که جبران خسارت از طریق پرداخت پول، مطلوبیت ثانوی دارد.
۲. اگر زیان‌دیده حق مطالبه جبران عینی و استرداد مال را نداشته باشد و فقط بتواند معادل آن را دریافت کند، در واقع مجبور به فروش مال خویش به شخص متجاوز می‌شود. به علاوه ممکن است اصل مال برای خواهان ارزشی بیشتر از قیمت واقعی آن داشته باشد، در این صورت، اگر وی قادر به استرداد عین نباشد و حقتش به خسارت پولی تعلق گیرد، ممکن است چیزی بیشتر از یک خسارت صوری را بدست نیاورد.
۳. چنانچه زیان‌دیده مستحق جبران عینی نباشد ممکن است با ورشکستگی یا اعسار عامل زیان روبرو شود که در این صورت ممکن است فقط به بخشی از طلب خود برسد.
۴. اعاده وضع پیشین اصولاً مستلزم اثبات زیان نیست.
۵. این شیوه جبران خسارت هم حدالمقدور زیان‌های مادی را جبران می‌کند و هم زیان‌های معنوی را و هم بعلاوه مانع زیان می‌شود. (بابایی، بی‌تا)
۶. در اعاده وضع پیشین یک عنصر قطعاً ایده آل وجود دارد به این معنا که نظام حقوقی با اعطای حق مطالبه جبران عینی به زیان‌دیده، نفع وی را در پایدار سازی وضعیت‌های معین مورد توجه قرار می‌دهد.

#### معایب جبران عینی

- در مقابل امتیازات مورد اشاره، معایبی نیز برای شیوه جبران عینی خسارت ذکر گردیده که مختصراً به شرح زیر است:
۱. اجرای احکام صادر شده براساس جبران عینی در مقایسه با احکامی که محکوم به آن مبلغی پول است، با دشواری‌های بیشتری روبرو است.
  ۲. در بسیاری از زیانها از جمله زیانهای جسمی و بسیاری زیان‌های وارد آمده به اموال، جبران عینی خسارت غیر ممکن و غیر قابل تصور است و جبران نقدی تنها طریق مناسب و عملی جبران خسارت است.

۳. جبران عینی فقط نسبت به آینده موثر است و زیان‌هایی را که در گذشته از وضعیت زیانبار ناشی شده اند جبران نمی‌کند. لذا صدور حکم بر اساس جبران عینی، مانع از نیست که زیان‌دیده جبران خساراتی را که تا موقع اجرای حکم به او وارد شده را بخواهد.

### جبران بدلی

جبران از طریق دادن معادل رایج‌ترین و مهم‌ترین روش جبران خسارت زیان‌دیده در مسئولیت مدنی است. تقریباً در همه نظام‌های حقوقی، جبران زیان از طریق دادن معادل، مهم‌ترین اصل زیر بنای مسئولیت مدنی است. مطابق این اصل، عامل زیان متعهد است معادل برابر خسارت ناشی از فعل زیانبار را به زیان‌دیده تسلیم کند.

چنان که گفته شد، جبران عینی، به رغم آنکه بهترین راه جبران خسارت است، همیشه امکان‌پذیر نیست و در تمامی موارد، موجب جبران خسارت گذشته نمی‌شود و یا آنکه ممکن است قاضی با استفاده از اختیار مندرج در ماده ۳ق.م. آن را مناسب نداند؛ در این موارد باید معادل آنچه بر اثر فعل یا ترک فعل مسئول حادثه از دارایی زیان‌دیده خارج شده است به دارایی او وارد شود. این معادل یا بدل ممکن است (۱) به صورت غیر نقدی (۲) و یا دادن مثل باشد (۳) و یا به صورت نقدی و با پرداخت مبلغی پول محقق شود.

### جبران با دادن مثل

فقها در باره جبران خسارت وارد بر مال گفته‌اند که راه درجه دوم جبران خسارت، پس از ردّ عین، دادن مثل است و اگر داد مثل امکان‌پذیر نباشد نوبت به شیوه درجه سوم جبران خسارت، یعنی دادن قیمت می‌رسد؛ بنابراین اگر می‌توان مثل مال را تسلیم کرد نوبت به پرداخت قیمت نخواهد رسید؛ زیرا صفات نوعی مال را دارد و به مال تلف شده نزدیک‌تر و هدف مسئولیت مدنی را بیشتر تامین می‌کند.

در مورد خسارات معنوی و بدنی نیز غالباً شیوه جبران نقدی خسارت بر شیوه جبران نقدی ترجیحی ندارد؛ زیرا در این موارد نمی‌توان گفت جبران غیر نقدی عرفاً و منطقاً، هدف مسئولیت مدنی را بهتر تامین می‌کند. شاید به همین دلیل است که در فقه، دیه یکی از امور شش‌گانه است

و فقط دومورد آنها پرداخت نقدی است که در عرض سایر موارد قرار داده شده، بدون اینکه میان آنها تقدم و تأخیری باشد.

### جبران نقدی خسارت

چنان که اشاره شده، در اکثر موارد، شیوه جبران نقدی خسارت، توسط محاکم انتخاب می‌شود و در دعای مسئولیت مدنی پرداخت مبلغی پول بر عهده مسئول قرار می‌گیرد و زیان دیده می‌تواند این مبلغ را به هر طریق که مایل است به مصرف برساند. به دیگر سخن، زیان دیده ملزم نیست این پول را حتماً صرف جبران خسارت کند.

### انواع جبران نقدی خسارت

#### ۱. به صورت یکجا

جبران نقدی خسارت ممکن است با پرداخت مبلغ معینی به صورت یکجا و مقطوع صورت گیرد یا دادگاه به لحاظ وضع مالی فاعل زیان یا دلایل دیگر به پرداخت خسارت به صورت قسطی حکم کند و یا اینکه به پرداخت مستمری به زیان دستور دهد. البته اصل در جبران نقدی خسارت آن است که غرامت به صورت یکجا و فوری پرداخت شود لیکن در مواردی این اصل با استثناهایی مواجه شده است.

#### ۲. به صورت مستمری

با توجه به تصریح قانون که تشخیص اندازه و مبلغ اخذ تامین با دادگاه است، اگر زیان وارده بر زیان‌دیده از حد تامین اخذ شده فراتر رود و یا هزینه‌های درمانی و مخارج زندگی از مبلغی که به صورت مستمری قرار است پرداخت شود افزون شود در این صورت دادگاه در جهت تامین حقوق زیان‌دیده چه تدبیری می‌اندیشد؟

جبران نقدی خسارت ممکن است به صورت پرداخت مستمری باشد که متفاوت از پرداخت اقساطی است. در پرداخت قسطی غرامت، مدت واقساط و در نتیجه مجموعه مبلغ قابل پرداخت کاملاً تعیین شود، در حالی که در پرداخت مستمری، مبلغ کل و تعداد پرداخت‌ها روشن نیست و ممکن است تعهد به پرداخت مستمری تا پایان عمر زیان‌دیده باقی بماند. بنابراین اگر سلب

قدرت کارگران زیان دیده برای مدت معینی باشد، دادگاه می‌تواند به پرداخت قسطی غرامت رأی دهد، لیکن اگر از کار افتادگی دائمی باشد، پرداخت نقدی خسارت به شکل مستمری خواهد بود. ماده ۳ق.م.م مقرر می‌دارد: «...جبران زیان را به صورت مستمری نمی‌شود تعیین کرد، مگر آنکه مدیون تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آنکه قانون آن را تجویز نماید». به دیگر سخن چون پرداخت مستمری ممکن است طولانی شود، باید عامل زیان پرداخت آن تأمین مناسبی بدهد، چنان که مالی را به عنوان وثیقه معرفی کند. علاوه بر ماده ۳ق.م.م در دو مورد نیز در قانون مزبور، جبران خسارت به صورت پرداخت مستمری، پیش بینی شده است: ماده ۵ ق.م.م مقرر می‌دارد: «اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده، در بدن او نقضی پیدا شود یا قوه کار زیان دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود، وارد کننده زیان مسئول جبران کلیه خسارت مزبور است. دادگاه جبران زیان را با رعایت اوضاع و احوال قضیه به طریق مستمری و یا پرداخت مبلغی دفعتاً واحده تعیین می‌نماید و در موردی که جبران زیان باید به طریق مستمری به عمل آید تشخیص اینکه به چند اندازه و تا چه مبلغ می‌توان از واردکننده زیان تأمین گرفت با دادگاه است...» مورد دوم، آن است که بر اثر تقصیری کسی قتل‌ی روی دهد و شخص ی که واجب النفقہ بالفعل یا بالقوه مقتول بوده از حق خود محروم شود. ماده ۶ق.م.م در این زمینه تصریح می‌کند: «... در صورتی که در زمان وقوع آسیب، زیان دیده قانوناً کلف بوده و یا ممکن است بعداً مکلف شود شخص ثالثی را نگاهداری نماید و در اثر مرگ او شخص ثالث از آن محروم گردد، وارد کننده زیان باید مبلغی به عنوان مستمری متناسب تا مدتی که ادامه حیات آسیب دیده عادتاً ممکن و مکلف به نگاهداری شخص ثالث بوده، به آن شخص پرداخت کند. در این صورت تشخیص میزان تأمین که باید گرفته شود با دادگاه است. در صورتی که در زمان وقوع آسیب نطفه شخص ثالث بسته شده و یا هنوز طفل به دنیا نیامده باشد، شخص مزبور استحقاق مستمری را خواهد داشت».

در حقوق بین الملل و نیز حقوق داخلی بسیاری از کشورها نظریه‌ای تحت عنوان «نظریه تغییر اوضاع و احوال»<sup>۱</sup> یا «نظریه حوادث پیش‌بینی نشده»<sup>۲</sup> مطرح است که شباهت زیادی با قاعده نفی عسر و حرج در فقه و حقوق اسلامی دارد که مقایسه و تطبیق آن با قاعده نفی عسر و حرج مفید به نظر می‌رسد. به موجب این نظریه هرگاه در اثر بروز حوادث پیش‌بینی نشده غیر قابل رفع و اجتناب، تعادل عوضین معامله به نحو فاحشی به هم بخورد و در نتیجه، اجرای مفاد قرارداد دشوار و مشکل شود قرارداد مذکور در صورت امکان توسط قاضی تعدیل می‌شود و یا حسب مورد انحلال می‌یابد. (قواعد فقه، ج ۲، ص: ۱۰۶)

در حقیقت، نظریه تغییر شرایط و اوضاع و احوال به عنوان یک استثنا بر اصل لزوم قراردادها یا «اصالة اللزوم» به طرف آسیب‌دیده از حادثه نامنتظر حق می‌دهد که از حصار اصل لزوم وفا به عهد، یا اصل پای‌بندی به قرارداد خارج شود و با اعمال تعدیل عادلانه و متعارف و یا انحلال قرارداد، ضرر ناخواسته و دور از انتظار وارد بر خود را زایل سازد یا آن را کاهش دهد. بعضی معتقدند که مبنای حقوقی این نظریه این است که طرفین عقد، قرارداد خود را بر این اساس منعقد ساخته‌اند که هرگاه شرایط و اوضاع و احوال جاری در زمان انعقاد ادامه داشته باشد و تعادل مالی زمان وقوع توافق تغییر نکرده باشد، به ایفای توافق و اجرای مفاد آن پای‌بند باشند و در صورت بروز حادثه‌ای نامنتظر و تغییر اوضاع و احوال و نامتعادل شدن وضعیت قرارداد، طرف آسیب‌دیده از تغییرات، حق فسخ و برهم زدن قرارداد را داشته باشد. برخی دیگر اعتقاد دارند که رفع ضرر ناروا و ناخواسته حاصل از ظهور حوادث ناگهانی و نامنتظر مجوز زوال لزوم وفا به عهد و تبدیل اصل لزوم قراردادها به جواز است که به سبب آن، زیان وارد به متضرر به وسیله فسخ یا تعدیل قرارداد مرتفع می‌شود؛ اما واقعیت این است که این نظریه برای مقابله با شرایط زیانبار ناشی از حدوث حوادث نامنتظر و توجیه امکان عدم وفا به عهد و پیمان ناشی از قراردادهای مالی و مستمری است

---

1. Change of circumstance.  
2. Theore de I ,imprevision.

که دستخوش تغییر تعادل اقتصادی غیر عادلانه و مشقت‌بار علیه یکی از طرفین شده است. (همان، ص: ۱۰۸)

براساس فرض، لزوم جبران همه خسارات بی گمان دادگاه نمی تواند به چگونگی جبران خسارت و تغییر آن بعد از صدور حکم بی اعتناء بماند و باید زیان های این مرحله نیز جبران شود منتها اگر مبلغ خسارت به طور قطعی معین شده باشد دادگاه دیگر نمی تواند آن را به استناد افزایش قیمت ها یا تنزل ارزش پول تغییر دهد و حکم مزبور در حدود مفاد خود از اعتبار امر مختوم بهره مند است و تجدید نظر در آن امکان ندارد و زیان دیده پس از صدور حکم مانند سایر طلبکاران، تنها به میزان مفاد حکم از محکوم علیه طلبکار است، اما دادگاه می تواند جبران خسارت را به صورت مستمری طولانی تعیین کند و مبنای قابل تغییری مانند حقوق ماهیانه کارگر یا کارمند را جهت متناسب بودن آن با هزینه زندگی برای آن خسارت تغییر دهد. (به استناد ماده ۹ قانون مسئولیت مدنی)

#### اشکال در جبران نقدی خسارت به صورت مستمری

در جبران نقدی خسارت به صورت مستمری، کاهش ارزش پول در طول زمان، می تواند ایجاد اشکال کند و به همین دلیل در برخی قوانین مثل قانون تأمین اجتماعی (ماده ۹۶) افزایش مستمری حداقل سالی یک بار با توجه به افزایش هزینه زندگی مقرر شده است.

در سایر موارد دادگاهها با استفاده از اختیاری که ماده ۳ ق. م. م به آنها داده است می توانند ملاک قابل تغییری را (مثل حداقل مزد کارگران که هر سال توسط وزارت کار و امور اجتماعی تعیین می شود و یا میزان ریالی دیه که هر سال از سوی قوه قضاییه اعلام می گردد یا شاخص افزایش قیمتها که بانک مرکزی اعلام می کند)، در تعیین میزان مستمری در نظر بگیرند تا هدف مسئولیت مدنی که جبران کامل خسارت است، به رغم کاهش ارزش پول، تامین شود. در غیر این صورت، کاهش ارزش پول، موجب خواهد شد تا خسارت به صورت کامل جبران نشود.

دادگاه نیز، پس از قطعی شدن حکم، حق تغییر مبلغ معین شده را جز در مورد مذکور در قسمت آخر ماده ۵ ق. م. م نخواهد داشت و زیان دیده هم نمی تواند به ماده ۵۲۲ قانون آیین

دادرسی مدنی استناد کند؛ زیرا این ماده مربوط به تأخیر متعهد در اجرای تعهد و کاهش ارزش پول از زمان سررسید تعهد تا هنگام پرداخت است، نه از زمان صدور حکم دادگاه تا هنگام سررسید و پرداخت غرامت؛ بدیهی است که در این فرض محکوم علیه طبق رأی دادگاه عمل می‌کند و تاخیری در اجرای تعهد ندارد.

بحث دیگری که در اینجا مطرح است این است که زیان دیده پس از صدور حکم ادعایی مبنی بر ورود خسارت جدید به وی بر اثر فعل زیان بار موضوع حکم داشته باشد که این ادعا منافاتی با اعتبار حکم ندارد و ادعای تازه ای محسوب می‌شود که بایستی مورد توجه قرار گیرد البته اینکه ماده ا قانون مسئولیت مدنی اختیار تجدیدنظر را به دادگاه داده بدین معنی است که این اختیار تنها ناظر به صدور رای نیست به خسارات اضافی است نه اینکه میزان خسارت تعیین شده را زیان دیده کم بداند و درخواست تجدید نظر آن را بنماید. (روانان و بولاغ، ۱۳۹۶)

کاهش از میزان خساراتی که در حکم آمده است فقط در صورتی امکان دارد که دادگاه چنین اقدامی را در رای خود پیش بینی و اعلام کرده باشد که حکم در این باره موقتی است نه قاطع. (مهمان نوازان، : ۲۱۵).

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شیوه‌های مختلف جبران خسارت در مسئولیت مدنی در واقع طرق اجرای تعهد مسئول (فاعل زیان)، و تابع اهداف مسئولیت مدنی اند. از آنجا که اهداف مذکور در کلیه نظام های حقوقی یکسان نیستند شیوه های تامین آن ها و اجرای تعهد نیز یکسان نیست. با وجود این عمده ترین اهداف مسئولیت مدنی در اکثر قریب به اتفاق نظام های حقوقی عبارتند از: جلب رضایت زیان‌دیده، جبران خسارت، و اعاده وضع پیشین زیان‌دیده.

جبران عینی گاه با عنوان اعاده وضع پیشین زیان‌دیده یا ترمیم جنسی از آن یاد می‌شود، بهترین شیوه جبران خسارت است که وضع زیان دیده کاملاً به حالت پیش از ورود ضرر بازگردانده شود و چون هدف مسئولیت مدنی، جبران کامل خسارت است، این شیوه بر دیگر راههای جبران خسارت ترجیح دارد. در خسارتهای معنوی و بدنی غالباً امکان بازگردان وضع



پیشین وجود ندارد و به همین دلیل این شیوه انتخاب نمی شود، اما در خسارتهای مالی اجرای این شیوه قابل تصور است.

جبران از طریق دادن معادل رایج ترین و مهم ترین روش جبران خسارت زیان‌دیده در مسئولیت مدنی است. تقریباً در همه نظام های حقوقی، جبران زیان از طریق دادن معادل، مهمترین اصل زیر بنای مسئولیت مدنی است. مطابق این اصل، عامل زیان متعهد است معادل برابر خسارت ناشی از فعل زیانبار را به زیان‌دیده تسلیم کند.

فقها درباره جبران خسارت وارد بر مال گفته اند که راه درجه دوم جبران خسارت، پس از رد عین، دادن مثل است و اگر داد مثل امکان پذیر نباشد نوبت به شیوه درجه سوم جبران خسارت، یعنی دادن قیمت می‌رسد؛ بنابراین اگر می‌توان مثل مال را تسلیم کرد نوبت به پرداخت قیمت نخواهد رسید؛ زیرا صفات نوعی مال را دارد و به مال تلف شده نزدیک‌تر و هدف مسئولیت مدنی را بیشتر تامین می‌کند.

در مورد خسارات معنوی و بدنی نیز غالباً شیوه جبران نقدی خسارت بر شیوه جبران نقدی ترجیحی ندارد؛ زیرا در این موارد نمی توان گفت جبران غیر نقدی عرفاً و منطقاً، هدف مسئولیت مدنی را بهتر تامین می‌کند. شاید به همین دلیل است که در فقه، دیه یکی از امور شش گانه است و فقط دومورد آنها پرداخت نقدی است که در عرض سایر موارد قرار داده شده، بدون اینکه میان آنها تقدم و تأخری باشد.

جبران نقدی خسارت ممکن است به صورت پرداخت مستمری باشد که متفاوت از پرداخت اقساطی است. در پرداخت قسطی غرامت، مدت واقساط و در نتیجه مجموعه مبلغ قابل پرداخت کاملاً تعیین شود، در حالی که در پرداخت مستمری، مبلغ کل و تعداد پرداخت‌ها روشن نیست و ممکن است تعهد به پرداخت مستمری تا پایان عمر زیان دیده باقی بماند. بنابراین اگر سلب قدرت کارگران زیان دیده برای مدت معینی باشد، دادگاه می‌تواند به پرداخت قسطی غرامت رأی دهد، لیکن اگر از کار افتادگی دائمی باشد، پرداخت نقدی خسارت به شکل مستمری خواهد بود.

## منابع و مأخذ

۱. احمد ادریس، دیه، ترجمه: علیرضا فیض.
۲. آرش روانان. محمود بولاغ(۱۳۹۶). ضرر و زیان ناشی از جرم در حقوق ایران و فرانسه، اولین کنفرانس پژوهش در فقه، حقوق و علوم اسلامی، ۳ شهریور ۱۳۹۶.
۳. اسلامی فارسانی، علی(۱۳۹۴). نقش انصاف در مسئولیت مدنی، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
۴. اکرمی ابرقویی، احمد(-). مطالعه تطبیقی مسئولین پرداخت دیه در حقوق موضوعه، فقه امامیه و فقه عامه، رساله کارشناسی ارشد (حقوق جزا و جرم شناسی). دانشگاه تهران، مجتمع آموزش عالی قم؛ طاهرخانی، خیرالله.
۵. امامی، سید حسن(بی‌تا). جزوه مسئولیت مدنی، تهران: دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
۶. امیری قائم مقامی(۱۳۷۸). حقوق، تعهدات، جلد اول، نشر میزان.
۷. انصاری، مرتضی(بی‌تا)، مکاسب، رساله فی القاعده نفی الضرر، چاپ سنگی.
۸. بابائی، ایرج(بی‌تا). نقد اصل قابلیت جبران کلیه خسارات در حقوق مسئولیت مدنی ایران، بنیاد حقوقی میزان.
۹. بجنوردی، سید محمد، القواعد الفقہیہ، ج ۱.
۱۰. پروین، فرهاد(بی‌تا). خسارات معنوی در حقوق ایران.
۱۱. جعفری تبار، حسن(بی‌تا) از آستین طیبیان، قولی در مسئولیت مدنی پزشکان، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۴۱، ص ۵۵.
۱۲. حسینی نژاد(۱۳۷۷)، مسئولیت مدنی.
۱۳. خوانساری، موسی(بی‌تا). منیه الطالب(تقریرات در میرزا نائینی)، ج ۲.
۱۴. رهپیک، حسن(۱۳۷۸). حقوق مسئولیت مدنی و جبرانها، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
۱۵. شیخ طوسی(بی‌تا). حرمة مال المسلم كحرمة دمه، المبسوط، کتاب الغصب، جلد ۳.

۱۶. الصافی، لطف‌الله (۱۴۰۴). التعزیر، - : نشر اسلامی.
۱۷. صفایی، حسین و حبیب‌الله رحیمی (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی الزامات خارج از قرارداد، یاران، چاپ دوم.
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). الزامهای خارج از قرارداد مسئولیت مدنی ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. گنج‌دانش (۱۳۷۸)، دیدگاه‌های قضائی قضات دادگستری استان تهران.
۲۰. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۳). قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم.
۲۱. مرعشی، محمد حسن (۱۳۷۰). دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم، مجله قضائی و حقوقی دادگستری، ۱۳۷۰، ش ۱، ص ۹.